

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه هفتاد و نهم، ۲۱ بهمن ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/قرارداد اختیار معامله و سهام استقراضی /روایات و احکام عاریه و تطبیق آن بر سهام استقراضی

1- حدیث اخلاقی (عدالت) - بیانات به مناسبت ۲۲ بهمن

امروز، روز سه شنبه و فردا، سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. ۲۲ بهمن را به همه منتظران حکومت جهانی امام عصر عجل الله فرجه الشریف، تبریک عرض می‌کنیم. ان شاء الله حکومت اسلامی ایران، بستری باشد برای حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداه؛ و همچنین شادی روح معمار و مؤسس جمهوری اسلامی و ایام دهه فجر، حضرت امام رضوان الله علیه و شادی همه ارواح شهیدانی که در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی و در حفظ انقلاب اسلامی، شهید شدند و این نهال نوپا را با خون مطهرشان، آبیاری کردند، تا این گونه درخت باروری شده است.

2- نشانه‌های فروپاشی دولت‌ها

حدیث امروز، به تناسب ایام از فرمایش‌های امیر کلام و امیر حکما و امیر الامراء، حضرت سرالانبياء والمرسلین، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، تقدیم شما می‌شود.

این روایت، در غرر الحکم هست؛ حضرت در این حدیث فرمودند: «يستدل على إِدبار الدول بأربع: تضييع الأصول و التمسك بالفروع و تقديم الأراذل و تأخير الأفاضل [1].»

2.1- عدالت، یکی از اوصاف خداوند

برای توضیح این حدیث، ناچارم مقدمه‌ای عرض کنم؛ و آن اینکه عدالت و عدل، از صفات باری تعالی است. رسول مکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند: «تخلقوا بأخلاق الله»؛ [2] یعنی، تخلقوا بأوصاف الله؛ و یکی از اوصاف الهی، صفت عدل و عدالت است.

2.2- عدل، سبب برپایی نظام وجود

انگیزه تشکیل حکومت اسلامی و حاکمیت اسلام، جز بر اساس عدل چیز دیگری نیست؛ در روایات داریم: «بالعدل قامت السموات و الأرض»؛ [3] عدالت، باعث استمرار زمین و آسمان‌ها و همه موجودات است؛ می‌توانیم این قاعده و ضابطه کلی را استفاده کنیم که عدل،

مطلوب نظام وجود است؛ خدای مدبّر نظام وجود و حاکم نظام وجود، خودش عادل است و عدل را می‌پسندد و عدل، حسن و ظلم، قبیح است.

2.3- عدالت، سبب بقاء حکومت‌ها

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «فی العدل الإقتداء بسنة الله و ثبات الدول»؛ [4] در عدالت، اقتدا به سنت الهی است. و ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾؛ [5] این اسوه حسنه است. اگر حکومتی می‌خواهد باقی باشد، باید عدالت گستر باشد؛ اگر حکومت‌هایی می‌خواهند در دژ حفاظتی قرار گیرند، باید در دژ عدل قرار گیرند؛ «اللهم اجعلني في درعك الحصينة الذي تجعل فيها من تريد»؛ [6] این دعا برای حفاظت، مجرب است. وظیفه حکومت‌ها این است که عدل گستر باشند. خصوصیت دولت امام مهدی عجل‌الله‌فرجه‌الشریف، جز عدل گستری، چیز دیگری نیست.

«ما حُصِّنَ الدُّوْلُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ»؛ [7] به اندازه‌ای که با عدل، حکومت‌ها حفظ می‌شوند، با چیز دیگری حفظ نمی‌شوند.

«و العدل أساس به قوام العالم»؛ [8] قوام عالم، به عدل است؛ «أَلْعَدْلُ قِوَامُ الرَّعِيَّةِ ، وَجَمَالُ الْوَلَاةِ»؛ [9] زیبایی ولات و قوام رعیت هم، به عدل است. می‌توان گفت: عدل، صفت مشترک بین رعیت و صاحب رعیت، یعنی امام و امت و حاکم اسلامی است.

2.4- عدالت، سبب آرامش دل‌ها

چقدر این فرمایش حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در خطبه‌شان، عجیب است؛ «فَفَرَضَ ... وَ الْعَدْلَ تَسْكِينًا لِلْقُلُوبِ»؛ [10] اگر خداوند عدل را واجب کرده است، برای آرامش دل‌ها است. عدل فریضه‌ای است که مشترک بین رعیت و حاکمیت است.

2.5- عدالت، مسئولیتی همگانی

«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛ [11] در دید امیر المؤمنین علیه‌السلام، این است که همه ما مسئولیت داریم؛ مسئولیت عدالت؛ باید عدل گستر و عادل پرور باشیم.

2.6- عدالت، سبب نفوذ در دل‌ها

«بِالْعَدْلِ تَتَّضَاعَفُ الْبَرَكَاتُ»؛ [12] الْعَدْلُ نِظَامُ الْإِمْرَةِ»؛ [13] نظام حکومت اسلامی و آبادی شهرها به عدالت است.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، به همه حاکمان دستور فرمودند که «اگر می‌خواهید در دل‌ها نفوذ کنید، عدالت داشته باشید». یادمان نمی‌رود که حضرت امام فرمودند: رییس جمهور ما بر دل‌ها حکومت می‌کند؛ دولت اسلامی است؛ رهبر در نظام اسلامی که ارتباط امت و امامش، رابطه امام و امتی است و این رابطه عظیمی است؛ بر دل‌ها حکومت می‌کند؛ ولی فقیه حاکم بر دل‌ها است.

2.7- شرایط ولی فقیه

پشتیبان ولایت فقیه باشید، تا به مملکت آسیبی نرسد. حفظ نظام، به عدالت است. از شرایط ولی فقیه، اجتهاد مطلق، عدالت مطلق، سیاست‌مدار کامل؛ زرنگ و جهان‌شناس باشد؛ «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس [14]». دولتی که تحت احاطه رهبری باشد، آن دولت در حفظ حصین اسلام، یعنی عدالت است.

2.8- تبعات فاصله گرفتن از عدالت توسط دولت‌ها

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «عدالت، حفظ حصین است»؛ اگر دولتی به اسم عدالت، با عدالت در افتاد و عدالت را در فرد و جمع، گسترده نکرد، با حاکمیت اسلامی منافات دارد؛ دولتی که با عدالت فاصله گرفته است، روزبه‌روز به طرف زوال می‌رود؛ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «زوال الدول باصطناع السفل»؛ [15] اگر دولتی به ابلهان میدان داد و دانشمندان را کنار زد، این دولت زائله است.

2.9- نشانه‌های فروپاشی دولت‌ها

حضرت امیر علیه السلام فرمودند: «یستدل علی ادبار الدول باریع»؛ کدام دولت، اقبال و ادبار دارد؛ اقبال از دولت اسلامی و عدل گستر است، و ادبار از این ویژگی‌ها.

2.9.1- نشانه اول: ضایع کردن اصول

تضییع الاصول: اگر در دولتی اصول، مورد هجومه قرار گرفت؛ حجاب، عدالت، ولایت فقیه و توحید و عدل و امامت و رسالت و حاکمیت اسلامی زیر سوال رفت، بدانید این دولت به افول می‌رود؛ دولت مدبره و دولت هالکه، دولتی است که اصول را ضایع می‌کند؛ امر به معروف و نهی از منکر را ضایع می‌کند. قواعد کلی اسلامی را باید نگه داریم؛ کلیات فقه و اصول را باید نگه داریم.

2.9.2- نشانه دوم: توجه کردن به فروع

و التمسك بالفروع: به فرعیات، اخذ می‌کنند. اولویت‌بندی ندارند؛ اصول را فدای فروع می‌کنند. ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾؛ [16] ظالمین نمی‌توانند بر مؤمنین حاکمیت داشته باشند؛ چیزی که این را محقق می‌کند، نترسی و شجاعت است؛ شجاع، در اجرای اصول می‌ایستد.

2.9.3- نشانه سوم: مقدم داشتن ارادل

تقدیم الارادل: در دولت غیر اسلامی، ارادل و اوباش مقدم می‌شوند.

2.9.4- نشانه چهارم: بی‌اعتنایی به دانشمندان

تأخیر الأفاضل: به دانشمندان، بی‌توجهی می‌شود.

به تعبیر حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، اگر دولتی به دنبال تزییع اصول بود و اولویتها را رعایت نکرد و ارادل را مقدم داشت و افاضل و دانشمندان را مقدم ندانست، آن دولت زائله است.

2.10- حفظ کردن عدالت در انقلاب اسلامی، مقدمه ظهور عدالت گستر جهانی

اعزه من در این ایامی که در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی هستیم، ان شاء الله بکوشیم هم رعیت و هم راعی، هم حاکمیت و هم دولت و هم ملت، بکوشیم تا عدالت را حفظ کنیم و بدانیم که دشمنان، اصول ما و دانشمندان ما و ولایت ما و حاکمیت اسلامی ما را هدف گرفتند؛ دشمنان با جمهوری اسلامی زاویه دارند. شهیدانی که با خون‌شان این نهال حاکمیت اسلامی را آبیاری کردند، فدایی عدالت اسلامی هستند؛ بستر را برای عدل اسلامی فراهم کردند؛ تا عادل مطلق، حضرت امام زمان عجل الله فرجه الشریف، دولت بقیت الهی‌شان ظهور کند و آن روزی است که حضرت قیام می‌کنند. «بعد ما ملئت الأرض ظلما و جورا»؛ [17] بعد از اینکه زمین پر از جور شده است، با ندای «أنا بقية الله» [18] «وعدالت، حاکمیت را به ثبوت و اثبات می‌رسانند؛ این جا است که تمام حکومت صالحان که دنبال دانشمندان هستند، به ثبوت و اثبات می‌رسد. ان شاء الله جزو کسانی باشیم که در نشر معارف اسلامی، سهیم باشیم.

3- خلاصه جلسه گذشته

بحمدالله رب العالمین در مباحث بورس و تحلیل معاملات که مطرح می‌شود و قواعدی که باید رعایت کنیم، در بحث فروش‌های سهام بودیم که به نحو فروش استقراضی است؛ سهام را با زمان مشخصی، با قراردادهای مشخصی می‌فروختند؛ این مشروع است یا خیر؟

4- روایات عاریه

4.1-روایت اول

عرض کردیم این، مترتب بر مباحث عاریه است. برخی از روایات عاریه را محضرتان مطرح کردیم. در وسائل، جلد ۱۹، حدیثی بود که صحیح اعلاپی است؛
محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن اُبیهِ، عن حماد، عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: «صاحب الوديعة والبضاعة مؤتمنان»؛ [19]
در عاریه نمی‌توان ضمان داشت؛ مگر اینکه شرطی کند؛ اگر شرط ضمان کرد، اشکال ندارد به عنوان شرط ضمن عقد.

4.2-روایت دوم

محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن اُبیهِ (ابراهیم بن هاشم)، عن عبد الله بن المغيرة، عن عبد الله بن سنان قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: «لا تضمن العارية إلا أن يكون قد اشترط فيها ضمان، إلا الدنانير فإنها مضمونة وإن لم يشترط فيها ضماناً» [20].
راویان، همه از اجلاء هستند.

عاریه ضمان ندارد، مگر شرط ضمان کند؛ مگر دنانیر که ضمان دارد، گرچه شرط ضمان نداشته باشد.

درهم و دینار، شرط ضمان هم نباشد، در عاریه آن، ضمان هست؛ شرط می‌گذارند؛ و شرط ضمن عقد، شرط جایز است که لزوم می‌آورد و منافاتی با مقتضای عقد ندارد.
صاحب وسائل می‌فرماید:

«ورواه الشيخ بإسناده عن الحسين بن سعيد، عن صفوان، عن ابن مسكان، عن أبي عبد الله عليه السلام مثله» [21].

4.3-روایت سوم

وعن علي (علي بن ابراهيم)، عن اُبيهِ (ابراهيم بن هاشم)، عن ابن أبي عمير، عن جميل، عن زرارة قال: «قلت لأبي عبد الله عليه السلام: العارية مضمونة؟ فقال: جميع ما استعرتَه فتوى فلا يلزمك تواه إلا الذهب والفضة فإنهما يلزمان إلا أن تشرط عليه أنه متى توى لم يلزمك تواه، وكذلك جميع ما استعرت فاشترط عليك لزمك، والذهب والفضة لازم لك وإن لم يشترط عليك»؛ [22]

سلسله سند، كاملا قابل افتاء است و همه روايات از اجلا هستند و صحيح اعلاي است. آنچه به عاربه بگيريد و هلاك شود، ضمان ندارد؛ مگر طلا و نقره، مگر شرط ضمن عقد شود. «تَوَى»، يعنى «هلك».

پس عاربه، ضمان ندارد؛ مگر طلا و نقره، مگر شرط عدم ضمان كند؛ و يا در غير طلا و نقره، شرط ضمان كند.

در سهام، اگر بگويد: عاربه مى گيرم، ولى به شرط اينكه ضامن در تلف شدن باشيد، صحيح است.

«محمد بن الحسن (شيخ طوسى)، باسناده عن علي بن ابراهيم مثله [23].»

مى توان چنين استفاده كرد كه اگر شرطى كرد كه مضمون آن شرط، ضمان طرف بود، اشكالى ندارد.

4.4-روايت چهارم

و باسناده عن أحمد بن محمد، عن محمد بن أبي عمير، عن جميل بن صالح، عن عبد الملك بن عمرو، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «ليس على صاحب العارية ضمان إلا أن يشترط صاحبها، إلا الدارهم فإنها مضمونة، اشترط صاحبها أو لم يشترط.»

اينجا مطلبى اضافه است كه چه شرط كند و چه نكند؛ در درهم و دينار، ضمان هست؛ اگر در غير درهم و دينار شرط كرد، بايد ضامن باشد.

5-نقل قول مسالك از تذكرة: جواز عاربه معاطاتي

صاحب مسالك مى فرمايند:

«و قال في التذكرة في موضع آخر: «الأقرب عندي أنه لا يفتقر العارية إلى لفظ، بل يكفي قرينة الإذن بالانتفاع من غير لفظ دالّ على الإعارة و الاستعارة، لا من طرف المعير و لا من طرف المستعير، كما لو رآه عاريا فدفع إليه قميصا فلبسه تمتّ العارية؛ و كذا لو فرش لضيّفه فراشا أو بساطا أو مصلى أو حصيرا، أو ألقى إليه وسادة فجلس عليها، أو مخدّة فاتكأ عليها، كان ذلك إعارة، بخلاف ما لو دخل فجلس على الفرش المبسوطة، لأنّه لم يقصد بها انتفاع شخص بعينه قضاء بالظاهر، و قد قال (صلى الله عليه وآله وسلم): نحن نقضي بالظاهر [24].»

مرجع عاربه را عرف مى دانند؛ و معلوم است كه ملاك، عرف است.

پیراهنش را به فرد می‌دهد؛ چون نیاز دارد و چیزی نمی‌گوید؛ این عاریه است؛ یا برای مهمان، حبصیری یا بالش یا پستی می‌گذارد؛ اینها، اعاره است؛ بر خلاف جایی که روی فرش پهن بنشیند؛ چرا که طبق ظاهر، آنجا استفاده شخص خاصی، مد نظر نیست. در روایت است که ما به ظاهر، حکم می‌کنیم.

برخی اهل سنت می‌گویند: عاریه، با معاطات نمی‌شود و لفظ می‌خواهد؛ [25] ولی به نظر علامه می‌شود؛ با اذن، انتفاع تحقق می‌یابد.

مرحوم علامه رحمه الله می‌فرمایند: «عاریه، از عقود جایزه‌ای است که هر یک می‌توانند فسخ کنند [26].»

6- نتیجه

نتیجه اینکه اگر معاملات، به صورت عاریه باشد و شرطی بگذارد و مبادله و انتفاع را این گونه انجام دهد، می‌توانیم معامله را به بیع یا هبه معوضه یا صلح تصحیح کنیم؟ تا کنون به این نتیجه رسیدیم که شاید، منعی نداشته باشیم.

[1] غرر الحکم و درر الکلم، التیمی الآمدی، عبد الواحد بن محمد، ج ۱، ص ۸۰۰.

[2] احادیث نبوی در متون کهن فارسی، زاد هوش، محمد رضا، ج ۱، ص ۳۶۴.

[3] عوالی اللثالی، ابن ابی جمهور، ج ۴، ص ۱۰۳.

[4] مستدرک الوسائل، المحدث النوری، ج ۱۱، ص ۳۲۰.

[5] احزاب/سوره ۳۳، آیه ۲۱.

[6] الکافی- ط الاسلامیة، الشیخ الکلینی، ج ۲، ص ۵۳۴.

[7] هدایة العلم فی تنظیم غرر الحکم، شیخ الإسلامی، السید حسین، ج ۱، ص ۲۲۹.

[8] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسی، ج ۷۵، ص ۸۳.

[9] هدایة العلم فی تنظیم غرر الحکم، شیخ الإسلامی، السید حسین، ج ۱، ص ۳۸۰.

[10] علل الشرائع، الشیخ الصدوق، ج ۱، ص ۲۴۸.

[11] نهج الفصاحة، یابنده، ابوالقاسم، ج ۱، ص ۶۱۱.

- [12] [هداية العلم في تنظيم غرر الحكم، شيخ الإسلام، السيد حسين، ج ١، ص ٣٨١.](#)
- [13] [هداية العلم في تنظيم غرر الحكم، شيخ الإسلام، السيد حسين، ج ١، ص ٣٨٣.](#)
- [14] [ميزان الحكمة، المحمدي الري شهري، الشيخ محمد، ج ٢، ص ١١٥٨.](#)
- [15] [هداية العلم في تنظيم غرر الحكم، شيخ الإسلام، السيد حسين، ج ١، ص ١٥٠.](#)
- [16] [\[نساء/سوره٤، آيه ١٤١\].](#)
- [17] [\[بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ٣٦، ص ٢٢٦.](#)
- [18] [\[بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ٢٤، ص ٢١٢.](#)
- [19] [\[وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٩، ص ٧٩، أبواب الوديعه، باب ٤، ح ١، ط آل البيت.](#)
- [20] [\[وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٩، ص ٩٦، أبواب العارية، باب ٣، ح ١، ط آل البيت.](#)
- [21] [\[وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٩، ص ٩٦، أبواب العارية، باب ٣، ح ٣، ط آل البيت.](#)
- [22] [\[وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٩، ص ٩٦، أبواب العارية، باب ٣، ح ٢، ط آل البيت.](#)
- [23] [\[وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٩، ص ٩٦، أبواب العارية، باب ٣، ح ٢، ط آل البيت.](#)
- [24] [\[مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، الشهيد الثاني، ج ٥، ص ١٣٣.](#)
- [25] [\[تذكرة الفقهاء- ط آل البيت، العلامة الحلي، ج ١٦، ص ٢٤٧.](#)
- [26] [\[تذكرة الفقهاء- ط آل البيت، العلامة الحلي، ج ١٦، ص ٢٥١.](#)